

دهانه غلامان:

شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران

به کوشش

دکتر سید منصور سید سجادی

| مؤسسه ایزمنو ایتالیا |



ایران شهر - ۵

انتشارات آریارمنا

دهانه غلامان:

شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران

| به کوشش دکتر سیدمنصور سیدسجادی |

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |

| چاپ و صحافی: مهرگان |

| نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۸ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه |

| بها: ۵۰۰۰۰ تومان |

| تصویر جلد: دهانه غلامان، عکس از دکتر کورش محمدخانی |

| تاریخ: www.aryaramna.ir

| نامه‌نگار: info@aryaramna.ir aryaramna@hotmail.com |

| نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹ |

| همراه: ۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶ |

| همه حقوق این اثر برای انتشارات آریارمنا محفوظ است. |

[تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیک، ضبط و ذخیره روی سی‌دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی انتشارات آریارمنا ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفات و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.]

۱۱

سرشناسه : سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷.

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نظر

مشخصات ظاهري

فروش

شابک

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیوبی

شماره کتابشناسی ملی

: شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران/به کوشش سیدمنصور سیدسجادی.

: تهران: آریارمنا، ۱۳۹۷.

: مشخصات ظاهری: ص. ۳۱۶.

: ایران شهر: ۵.

: 978-622-95482-0-2.

: یادداشت

: یادداشت

: موضوع

: موضوع

: موضوع

: شناسه افزوده

: رده‌بندی کنگره

: ۹۵۵/۷۴۰۴۳.

: ۰۵۵۷۳۹۶۸.

Dahaneh Gholaman, Iran

Sistan (Iran and Afghanistan) -- Antiquities

انتشارات آریارمنا

انتشارات آریارمنا بر آن است تا کتاب‌های ارزنده تألیفی و ترجمه‌ای پژوهشگران ایرانی یا نیرانی را در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی همچون باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ و زبان‌های باستانی منتشر کند، کتاب‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گران‌سینگ و ورگاوند ایران بسیار ارزشمند باشند. با توجه به پیوندهای ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران انتشارات آریارمنا دور نمانده و چاپ کتاب‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده درباره جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های انتشارات آریارمنا است؛ باشد که از این راه پیوندهاییمان پیوسته‌تر و ریشه‌هاییمان ژرف‌تر شود. کتاب‌های انتشارات آریارمنا پیشکشی ناچیز است به ایرانیان، ایرانی‌تباران، ایران‌دوستان و همه مردمان جهان ایرانی که ایران و جهان ایرانی را از جان دوست‌تر می‌دارند.



مدیر

دکتر شاهین آریارمنش

(گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن)

مشاوران علمی

| دکتر سید منصور سید سجادی (مؤسسۀ ایزمتو ایتالیا) | استاد اسماعیل یغمایی (سازمان میراث فرهنگی کشور) | دکتر سید مهدی موسوی (دانشگاه تربیت مدرس) | دکتر محمد ابراهیم زارعی (دانشگاه بوقعلی سینا همدان) | دکتر سجاد علی‌بیگی (دانشگاه رازی کرمانشاه) | دکتر حمید رضا ولی‌پور (دانشگاه شهید بهشتی) | دکتر سعید امیر حاجلو (دانشگاه چیرفت) | دکتر سیروس نصرالله‌زاده (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) | دکتر رضامهر آفرین (دانشگاه مازندران) | دکتر فرزانه گشتاسب (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) |

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	درآمد

بخش اول: پژوهش‌های باستان‌شناسی

باستان‌شناسان ایتالیایی در سیستان، امبرتو شراتو، ترجمه هومان خواجه‌نوری ۱۹
نخستین گزارش مقدماتی کاوش‌های دهانه غلامان (سیستان، ایران ۱۹۶۲-۱۹۶۳) امبرتو شراتو، ترجمه حسین سرحدی دادیان ۲۵
شواهدی از زندگی مذهبی در دهانه غلامان سیستان، ابراهیم عقیل عابدی ۶۷
دهانه غلامان: شهری هخامنشی در سیستان، سید منصور سید‌سجادی ۸۹
نگاهی مختصر به کاوش‌های دهانه غلامان ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴، سید منصور سید‌سجادی ۱۲۷
سه تصویر از دوره هخامنشی در دهانه غلامان، سید منصور سید‌سجادی و فرامرز صابر مقدم ۱۵۳
رایج‌ترین گونه‌های سفال و توع مکانی آنها در دهانه غلامان سیستان، برونو جنیتو، ترجمه حسین سرحدی دادیان ۱۷۳
نشانه‌های انسان‌ریخت (?) بر مهر و سفال‌های دهانه غلامان: ارزیابی چند فرضیه، زهره زهیری ۱۸۷

بخش دوم: بررسی، مرمت و حفاظت

شناسایی و بررسی باستان‌شناسی محوطه دهانه غلامان، سیستان (بررسی آزمایشی آرکئولوفیزیک)

♦ ۸ دهانه غلامان: شهری هخامنشی در جنوب شرقی ایران

۲۲۳	کورش محمدخانی، بامشاد یغمایی
۲۷۹	عملیات حفاظتی در ساختمان شماره ۳ دهانه غلامان سیستان، لوکا ماریانی، ترجمه حسین سرحدی دادیان
۲۹۳	کتاب نامه
۳۰۱	تصویرهای رنگی

مقدمه

همان‌گونه که در بخش‌های مختلف مجموعه حاضر آمده محوطه باستانی دهانه غلامان از مهم‌ترین آثار باستانی مورد توجه در استان سیستان و بلوچستان است. این محوطه ابتدا در طی سال‌های اولیه دهه شصت میلادی توسط گروه باستان‌شناسی مؤسسه ایزمنو حفاری شد و سپس کار بررسی و تحقیق در آن تا سال ۱۳۷۹ به تعویق افتاد. در این سال گروه باستان‌شناسی شهر سوخته مأموریت یافت تا کار کاوش و پژوهش در این محوطه باستانی را نیز جزو برنامه‌های پژوهشی خود انجام دهد. کاوش و پژوهش در دهانه غلامان، به خاطر عدم تأمین بودجه لازم به صورت نامرتب انجام گرفته و سپس با تغییراتی که در مدیریت پژوهشکده باستان‌شناسی کشور پیش آمد به‌کلی تعطیل شد.

از آنجاکه به هر صورت آشنایی با زمینه‌های گوناگون این مجموعه برای محققان و دانشجویان رشته‌های باستان‌شناسی، معماری و تاریخ ایران باستان لازم به نظر می‌رسید و از سوی دیگر به خاطر پراکندگی مقالات و نایاب بودن مجلات، امکان دستیابی به نتایج پژوهش‌های منتشرشده به زبان‌های بیگانه و تحقیقات انجام‌شده توسط باستان‌شناسان ایرانی برای همگان میسر نیست، لازم دیدم با گردآوری و ترجمه مقالات باستان‌شناسان غیر ایرانی و همچنین مقالات و پژوهش‌های محققان را در یک مجلد منتشر کنم تا از یکسو امکان دستیابی به این مقالات برای پژوهشگران فراهم آید و از سوی دیگر اشاعه برخی از اظهارات غیر کارشناسانه مانند رصدخانه بودن ساختمان شماره ۳ و یا بدتر از آن ایلامی! بودن این محوطه گرفته شود.

کتاب حاضر شامل یک درآمد، یک مقدمه و دو بخش باستان‌شناسی و بررسی، مرمت و حفاظت است. ابتدا قرار بود دو فصل از کتاب ایران‌شناس بزرگ ایتالیایی شادروان گراردو نیولی با عنوان‌های زرنکا و زرین نیز جهت آشنایی با جغرافیای تاریخی سیستان نیز در این کتاب بیاید، اما از آنجاکه مقالات مزبور در کتاب پژوهش‌های تاریخی درباره سیستان باستانی منتشرشده از اضافه کردن آن در اینجا خودداری شد و علاقه‌مندان می‌توانند به اصل کتاب مراجعه نمایند و در هر صورت لزوم آشنایی با جغرافیای تاریخی سیستان باستان برای شناسایی هر چه بیشتر و بهتر سرزمین سیستان و محوطه‌های باستانی آن بر همگان آشکار است. اطلاعات جامع و علمی در خور توجهی درباره وضعیت جغرافیای طبیعی و تاریخ مذهبی هزاره اول پیش از میلاد در نوشته‌های باستانی (کتیبه‌های هخامنشیان، متون ساسانی، متون مذهبی قدیمی مانند وندیداد، نوشته‌های مورخان یونانی و بالاخره نوشته‌ها و متون نویسنده‌گان دوران اسلامی) وجود دارد که استفاده از این منابع اطلاعات گران‌بهایی درباره جغرافیای تاریخی این منطقه را در اختیار پژوهشگران می‌گذارد.

بخش اول کتاب به مباحث باستان‌شناسی پرداخته است. در این بخش تعداد هشت مقاله از پژوهشگران خارجی و ایرانی درباره مسائل باستان‌شناسی دهانه غلامان آمده است. نخستین مقاله گزارش‌گونه کوتاهی با عنوان هیئت باستان‌شناسان ایتالیایی در سیستان است که توسط شادروان امبر تو شراتو کاشف و نخستین کاوشگر دهانه غلامان نوشته شده و تنها برای آشنایی با سابقه کار منتشر می‌شود. مقاله بعدی نیز ترجمه‌ای از همین باستان‌شناس با عنوان نخستین گزارش مقدماتی کاوش‌های دهانه غلامان (سیستان- ایران ۱۳۶۲- ۱۳۶۳) است که در حقیقت تنها گزارش فنی گروه باستان‌شناسان ایتالیائی درباره کاوش‌های دهانه غلامان نیز به شمار می‌رود که به شرح کاوش‌ها پرداخته است. سومین مقاله نیز از همین باستان‌شناس با عنوان شواهدی از زندگی مذهبی در دهانه غلامان سیستان است. شراتو در این مقاله و با توجه به شواهد بسیار زیاد و غیرقابل انکاری که در کاوش‌های ساختمان شماره ۳ به دست آمده درباره مذهب ساکنان این شهر فرضیه‌هایی را ارائه کرده است. مقاله بعدی با عنوان دهانه غلامان: شهری هخامنشی در سیستان، از نویسنده سطور حاضر است. این مقاله به شرح کاوش‌های دهانه غلامان در پیش از زمان انقلاب اسلامی ایران پرداخته و نتایج به دست آمده از

سوی باستان‌شناسان ایتالیایی را مورد نظر قرار داده است. مقاله پنجم با عنوان نگاهی مختصر به کاوش‌های دهانه غلامان ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ نیز از آن نویسنده است که به صورت خلاصه برخی از نتایج به دست آمده از این کاوش‌ها را معرفی کرده است. ششمین مقاله تحت عنوان سه تصویر از دوره هخامنشی در دهانه غلامان است که آن نیز توسط نویسنده این سطور و فرامرز صابر مقدم درباره نقاشی‌های دیواری پیدا شده در دهانه غلامان نوشته شده است. مقاله بعدی رایج‌ترین گونه‌های سفال و نوع مکانی آنها در دهانه غلامان سیستان نوشته برونو جنیتو یکی از دانشجویان امبرتو شراتو بوده که توسط حسین سرحدی دادیان به فارسی برگردانده شده است. آخرین مقاله بخش باستان‌شناسی تحت عنوان نشانه‌های انسان‌زیخت (؟) بر مهر و سفال دهانه غلامان: ارزیابی چند فرضیه که نتیجه جدیدترین تحقیقات انجام‌شده درباره سفال دهانه غلامان است از آن سرکار خانم زهره زهیری است.

بخش دوم این مقالات نگاهی دارد به بررسی و چگونگی حفاظت، مرمت و نگهداری آثار مربوط به دهانه غلامان و آثار مربوطه به آن. نخستین مقاله این بخش شناسایی و بررسی باستان‌شناسی محوطه دهانه غلامان- سیستان (وبررسی آزمایشی و ژئوفیزیک) نوشته کورش محمدخانی و بامشاد یغمایی است. این مقاله نتیجه برخی از آخرین پژوهش‌های ژئوفیزیکی محمدخانی و همکارانشان در دهانه غلامان است که یکی از تازه‌ترین مقالات منتشر شده درباره این محوطه باستانی نیز است. آمدن این مقاله در این بخش از آن روبرو بوده که بتواند مسئولان و مأموران حفاظت محوطه را در شناسایی نقاط به دست آمده یاری کند. دومین مقاله این بخش عملیات حفاظتی در ساختمان شماره ۳ دهانه غلامان سیستان نوشته لوكا مارياني معمار - باستان‌شناس ایتالیایی درباره برخی عملیات حفاظتی در کوه خواجه و دهانه غلامان است.

دکتر سید منصور سید سجادی

رم. فروردین ۱۳۹۱ / عشق آباد شهریور ۱۳۹۶

درآمد

در موقعیت‌های گوناگونی اشاره کرده‌ام و باز هم با تأکید می‌گوییم آثار باستانی یک سرزمن مانند برگ‌های شناسنامه و هویت مردم آن سرزمن است. انسان بدون شناسنامه انسانی بدون هویت است که قادر به معرفی خود نیست. در حقیقت اگر انسان امروزی گذشته خود را نشناسد، آینده خود را به‌سختی می‌تواند بسازد و از آنجاکه بخش‌های بزرگی از تاریخ گذشته ما در میان همین خاک و خاشاک به‌ظاهر بی‌مقدار خفته است، مجبوریم و باید هر آنچه در توان داریم را کنار هم گذاشته و ضمن کار و کوشش برای ساختن آینده، این گذشته را نیز به‌عنوان و شکل سند هویت خود برای آیندگان حفظ کنیم. یک مثال ساده در این زمینه را می‌توان در روند تکاملی تاریخ معماری سیستان مشاهده کرد. اینجا، همیشه دارای آب‌وهوای ناسازگار، گرم و خشکی بوده است و بنابراین شکل خاصی از معماری قابل تطبیق با طبیعت را می‌طلبدیه است. از زمان ایجاد قدیمی‌ترین آثار ساختمانی موجود در سیستان تا دو سه دهه پیش مردمان هوشمند این سرزمن از خشت و آجر برای بنای معظم‌ترین ساختمان‌های خود استفاده می‌کرده‌اند. به ترتیب تاریخی، از حدود ۵۰۰۰ سال پیش که نخستین بناهای سکوتی در این سرزمن با ساختمان‌های شهر سوخته آغاز شده و سپس در نقاطی مانند دهانه غلامان، کوه خواجه، قلعه سام، آتشگاه، رام شهرستان، زاهدان کهنه، آثار پراکنده در رام رود، قلعه رستم، سه کوهه و ... ادامه یافته همگی دلالت بر ذکاوت ساکنان این سرزمن دارد که با درایت خاص و تجربه هزاران ساله خود به این نکته پی برده بودند که استفاده از سنگ در بنای ساختمان‌ها در اینجا

مطلوب نبوده و متناسب با آب و هوای اینجا نیست. ممکن است کسانی فقدان و یا عدم وجود سنگ کافی در منطقه را علت این کار بدانند، اما آنان از این نکته ساده غافل‌اند کسانی که قادر بوده‌اند ساختمان معظم و بی‌نظیری چون کوه خواجه را بنا کنند، گذشته از آنکه معادن و منابع سنگ در زیر گوششان بوده، قادر به تأمین سنگ مورد نیاز خود در هر فاصله جغرافیایی نیز بوده‌اند و برای کسانی که راه پستی شوش تا سارد را ساخته‌اند، جایه‌جایی و حمل و نقل سنگ‌های ساختمانی کار دشواری نبوده، و بنابراین استفاده از خشت و گل و آجر تنها نتیجه یک تجربه گران‌بهای چندین هزارساله بوده و به ناتوانی آنان ارتباطی ندارد. در حقیقت آنانی که شهر زابل دهه ۵۰ خورشیدی را به یاد دارند خانه‌های دلگشا و سردهای آجری و دل آرام آنجا را نیز به خاطر می‌آورند. در حالی که امروزه با تفکر بسیار غلط مدربنیزاسیون و شهری شدن، شهر زابل، یعنی جانشین شهر سوخته، دهانه غلامان، کوه خواجه، سه کوهه و ... را ساختمان‌های شیشه‌ای، آلومینیومی و سنگ‌های تراورتن در برگرفته و هر سال که می‌گذرد تعداد این درختان هرزه به شکل ساختمان بانک‌ها و مؤسسات این چنینی بیشتر می‌شود و شهر را از هویت اصلی خود خارج می‌کند بدون آنکه به آن هویتی جدید و قابل قبول بدهد. در این میان شاید و باید به وزارت آموزش و پرورش آفرین گفت که با استفاده از آجر تا حدود زیادی به نگهداری و حفظ هویت معماری منطقه کمک می‌کند و به همان اندازه باید به بانک‌های مختلف انتقاد وارد کرد که با سنگ و شیشه و آلومینیوم در حال از بین بردن و استحاله هویت چند هزارساله منطقه، بدون معرفی جانشینی شایسته، هستند.

قدیم‌ترین نام‌های سیستان را می‌توان در کتیبه‌های هخامنشی و نوشت‌های یونانیان و سپس مدارک دوران ساسانیان و بعد از آن در نوشت‌های مورخان دوران اسلامی دید. نام سیستان در کتیبه‌های هخامنشی به صورت زرک (زرنگ) آمده که بعدها در دوران اسلامی به صورت زرنگ و زرنج درآمده‌است. در کتیبه‌های دو شاه بزرگ هخامنشی یعنی داریوش و پرسش خشایارشا در نوبت‌های گوناگون نام زرنگ در فهرست کشورهای تابعه حکومت هخامنشی آمده است: این کتیبه‌ها عبارت‌اند از کتیبه داریوش در بیستون DB (ستون اول، بند ششم، سطر ۱۶)، کتیبه داریوش در تخت جمشید Dpe (سطرهای ۱۵ و ۱۶)، کتیبه داریوش در نقش رستم Dna (سطر ۲۴) کتیبه داریوش در شوش Dse (بند سوم سطر ۲۳) و کتیبه خشایارشا در تخت جمشید Dna (بند سوم سطر ۲۰). یونانیان اینجا را درانگیانه و درانجانا خوانده‌اند و در زمان پارت‌ها و با سرازیر شدن سکاها به این

سرزمین در سده‌های نخست میلادی اینجا سکستان نامیده شد. به احتمال بسیار زیاد اینجا مطابق با شهر زرین (Zranka) هخامنشیان است. کتریاس (Persiká 55) و ایزیدور خاراکسی (Stathmōi Parthikoí 17) اشاراتی به مراکز مسکونی با نام‌های مشابه در دوره‌های مختلف دارند و وضعیت طبیعی و جغرافیایی زرین یونانی شباهت زیادی به وضعیت جغرافیایی و طبیعی دهانه غلامان دارد. سیستان در زمان حکومت ساسانیان از مراکز بسیار مهم مذهبی به شمار می‌رفت هرچند این سلسله آخری در تقابل با پیشینیان خود سعی بر انتقال مراکز مذهبی زرتشتی ایرانی از شرق به سرزمین‌های غربی ایران نمود.

در کتاب شهرستان‌های ایران، سده سوم هجری، از سیستان نام برده نشده اما در شرح شهرهای ناحیه جنوب ایران، نام چهار شهر مهم آن به شرح زیر آمده است: «شهرستان رخود (= رخج / Rokaj) را رهام پسر گودرز ساخت، در آن زمان که اسپورز / aspwarz نر (= پهلوان) تورانی را کشت و بیو (= بیغو) خاقان را از آنجا گریزان کرد» «شهرستان بست / Bostur را بستور / Bastur پسر زریر ساخت، در آن زمان که گشتاسب شاه برای نیایش دین در فرزدان بود و بنه گشتاسب و دیگر شاهزادگان را در آنجا مستقر کرد»، «شهرستان فراه (فره) و شهرستان زابلستان را رستم شاه زابلستان ساخت شهرستان زرنگ را نخست افراصیاب گجسته تورانی ساخت و آتش ورجاوند کرکوی را در آنجا نشانید و منزچهر را به پدشخوارگر (محاصره کرد) و اسفندارمذ را به زنی خواست. اسفندارمذ در زمین آویخت. افراصیاب آن شهرستان را ویران و آن آتش را خاموش کرد. سپس کیخسرو پسر سیاوخش آن شهرستان را بازساخت و آتش کرکوی را باز نشانید و اردشیر باکان آن شهرستان را به فراموشانید». یونانیان این بخش از سیستان را شهر زرین نامیده‌اند و گذشته از آن این نام به مثابه مرکز اصلی منطقه هامون نیز آمده است. گذشته از مدارک باستان‌شناسی، طبق منابع و متون تاریخی نیز این شهر متعلق به پایان آخرین ربع سده پنجم پیش از میلاد بوده است. سنت‌های ایرانی ساختمان شهر زرین و همچنین نابودی آن را به افراصیاب نسبت می‌دهند، هم چنانکه بازسازی آن به عمل کاوی هئوسراوه (کیخسرو) نیز نسبت داده شده است.

تمام شواهد باستان‌شناسی و تاریخی چنانکه در صفحات بعدی آمده نشان می‌دهند که دهانه غلامان همان شهر زرک Z r k کتیبه‌های هخامنشی و شهر زرین یونانیان است. از سوی دیگر جایگاه دهانه غلامان دارای ریشه‌های سنت‌های زردشتی است، زیرا ساختمان مقدس شماره ۳ این شهر بدون

شک دارای خصوصیاتی یگانه و بسیار اصیل یک معبد پیش از زرده است.

ملاحظاتی دیگر درباره دهانه غلامان

محل و جایگاه دهانه غلامان در موقعیت‌های دیگری تشریح شده است. اگر به سادگی بخواهیم بگوییم دهانه غلامان تقریباً در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان زابل واقع شده است و مرکز اصلی یکی از ایالات مهم هخامنشیان در جنوب شرقی ایران بوده است. محل این سایت مهم باستانی تقریباً در ۲ کیلومتری جنوب روستای قلعه نو و بسیار نزدیک به مرزهای ایران با افغانستان است. این محل باستانی که در دهه ۶۰ میلادی (دهه ۴۰ خورشیدی) توسط امپراتور شراتو باستان‌شناس ایتالیایی پیدا شده است روی یک تراس رودخانه‌ای و در پایین یک برآمدگی‌های فلات قرار دارد که در محدوده‌های حوضه هامون هیرمند است و در نزدیکی یک کریدور (راهرو) مصنوعی واقع شده که نامش را به این کریدور و یا راهرو داده است: دروازه ورود بردگان و یا نام جدیدتر آن دهانه غلامان. این سرزمین پست و کم ارتفاع که در معرض دائمی طوفان‌ها و بادهای موسمی همراه با پراکندگی شدید و طوفان‌زای شن‌های بیابان‌گرد است، پیش ازین، سرزمینی حاصلخیز و آباد بوده است.

کاوش‌های انجام شده تحت نظرارت و رهبری امپراتور شراتو در سال ۱۹۶۲ میلادی در اینجا آغاز شد. این گروه از پژوهشگران موفق به کشف محوطه‌ای قابل توجه از نظر شهری شدند. اینجا در حقیقت و شاید تنها منطقه قابل توجه و مهم دوران هخامنشی در این منطقه به شمار آید، این نکته نه تنها درباره اندازه‌های این محل است بلکه بری و کاربرد ساختمان‌های مکشوفه در اینجا نیز است که نشانه‌های آن را می‌توانیم در نوع ساختمان‌ها و توزیع آنها و کاربری آنها نیز بینیم؛ بنابراین شاید این نکته‌ای مهم به شمار برود که به این نکته توجه داشته باشیم که اینجا تنها به شکل دورترین بخش و ایالت تحت کنترل هخامنشیان ساکن در فارس و یا احتمالاً همدان شمرده نشود، بلکه بخشی از آنان به شمار آید.

شناسایی محوطه دیگر این دوران را مدیون باستان‌شناس اوکراینی /فرانسوی، یعنی رومن گیرشمن هستیم که با بررسی‌های انجام داده در خاک افغانستان امروزی و ایالت نیمروز آن، در محوطه و شهر باستانی نادعلی، در حدود ۱۲ کیلومتری مرزهای امروزی ایران و افغانستان، آثار دیگری از دوران

هخامنشیان را به ما معرفی کرده است (Ghirshman, 1939, pp. 10-22).

اندازه و وسعت شهر دهانه غلامان قابل ملاحظه است. اندازه‌های باقیمانده از این شهر در حال حاضر حدود ۱/۵ کیلومتر از شرق به غرب و عرض بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر است. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان داده است که ساختارهای این شهر روی یک تراس بلندی ساخته شده‌اند و حداقل در دو دوره استقراری از آنها استفاده شده است.

جایه‌جایی شن‌های روان سبب پیدا شدن ساختمان‌های بزرگی شده که هریک دارای یک حیاط مرکزی هستند و نیز تعدادی ساختمان‌های مسکونی کوچک‌تر بدون حیاط شده است. نگاهی به دو نوع ساختار معماري متفاوت، یعنی ساختمان‌های بسیار بزرگ و ساختمان‌های کوچک‌تر نشان‌دهنده کاربری‌های متفاوت این بناها هستند. در میان ساختمان‌های بزرگ ساختمان شماره ۳ یک بنای بزرگ مذهبی بوده و ساختمان شماره ۱ یک بنای بزرگ مدنی و ساختمان شماره ۲ یک ساختمان اداری و ساختمان‌های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ که مسکونی و شخصی بوده‌اند که همگی در بخش شرقی شهر قرار داشته‌اند و ساختمان‌های بزرگ ۱۵ یک بنای صنعتی با تولیدات مذهبی. ساختمان‌های شماره ۱۶ و ۱۷ نیز جزو ساختمان‌های بزرگ عمومی و همگانی بوده‌اند در حالی که سایر ساختارهای این بخش غربی شهر همگی می‌توانسته‌اند ساختارهای خصوصی بوده باشند

عدم ثبات در جریان آب‌های دلتایی و جایه‌جایی سامانه‌های کانال‌های آبیاری و سیلاب‌های ناگهانی و گاه به گاه هیرمند و شور شدن تدریجی زمین‌ها از دلایل مترونک شدن این شهر بوده است.